

## کپی‌رایت و مجوزدهی بین‌المللی

دکتر کریستین راس

مشاور حقوقی در امور کپی‌رایت (آلمان)

مایهٔ مسرت و افتخار این جانب است که می‌توانم در این‌جا، در نمایشگاه کتاب تهران، چند کلمه‌ای در بارهٔ کپی‌رایت و مجوزدهی بین‌المللی سخن گویم. ناگفته پیداست که در یک صحبت نیم‌ساعتی در باب این موضوع گسترده تنها می‌توان به ارائهٔ پاسخ‌های سطحی به پرسش‌های مطرح در این حوزه‌ها امید بست. در پایان صحبتی اینچنین، معمولاً، شنوندگان همچنان نسبت به موضوع ابهاماتی خواهند داشت، اما امیدوارم این ابهام توأم با دانش بیشتر نسبت به موضوع باشد.

از سال ۱۹۹۴ بدین سو، این جانب به عنوان مشاور در یک شرکت حقوقی واقع در ویس‌بادن (نزدیک فرانکفورت)، که تمرکز آن بر کپی‌رایت و مسائل مرتبط با رسانه‌های جمعی است، مشغول کار بوده‌ام.

من سخنان خود را به دو بخش تفکیک کرده‌ام:

در بخش نخست، که مروری است بر کپی‌رایت، به شرایط قراردادهای بین مؤلف و ناشر، مجوزها و سرانجام به وضعیت بین‌المللی کپی‌رایت و به ویژه پیمان برن اشاره خواهم کرد.

بخش دوم نیز پیشنهادهایی است در مورد راهکاری که ناشران خارجی می‌توانند به هنگام فروش مجوز آثار خویش به مراکز انتشاراتی اروپایی و آمریکایی دنبال کنند.

#### مقدمه

پیش از آن‌که به تهران بیایم با چندین ناشر آلمانی صحبت کردم و از آنان در مورد شرایط داد و ستد مجوز بین ناشران آلمانی و ایرانی سؤال کردم. پاسخ‌های آنان نسبتاً مشابه بود. آنان گفتند به ادبیات ایران، به‌خصوص ادبیات داستانی، ادبیات کودکان و نوجوانان و کتاب‌های مذهبی آن علاقه‌مندند. آنان بر این باور بودند که در عصر حاضر ما باید سعی کنیم از مذاهب و آداب و رسوم یکدیگر آگاهی یابیم. در دنیای غرب برای کتاب‌هایی که به توضیح دین اسلام و آداب و رسوم روزمره آن می‌پردازند بازار گسترده‌ای وجود دارد. البته ناشران، به دلیل مبهم بودن شرایط کپی‌رایت در این منطقه، از فروش امتیاز آثار خویش به مراکز انتشاراتی ایرانی امتناع می‌کنند.

به گمان من، این امر نشان‌دهنده آن است که ناشران اروپایی تا چه حد به شرایط کپی‌رایت توجه دارند و به نظر می‌رسد که این ناشران نسبت به شرایط کنونی ایران آگاهی چندانی ندارند. بدین جهت، یکی از وظایف اتحادیه‌های ناشران ایران آن است که در مورد شرایط ایران اطلاعات بیشتری در اختیار ناشران بین‌المللی قرار دهند. این یک واقعیت است که دولت ایران هنوز معاهدات بین‌المللی موجود در زمینه کپی‌رایت، همچون پیمان برن و توافقنامهٔ تریبس (جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری) را امضا نکرده است. مدت‌ها بود که نمی‌دانستم بین ایران و آلمان دو توافقنامه وجود دارد که یکی در تاریخ ۲۴ فوریهٔ ۱۹۳۰ و دیگری در ۱۱ نوامبر ۱۹۶۵ به امضا رسیده و بر مبنای این دو توافقنامه دو کشور

متعهد شده‌اند به طور متقابل از کتاب‌های یکدیگر حمایت کنند. این بدان معناست که کتب ایرانی در آلمان همچون کتب آلمانی در ایران، در برابر بهره‌برداری غیر مجاز مورد حمایت قرار می‌گیرند. اما واقعیت آن است که در اروپا کسی مطالبی در باره وضعیت کپی‌رایت در ایران نمی‌داند. بنابراین نخستین گام شفاف‌سازی امور و ارائه اطلاعات بیشتر در این زمینه است تا نقطه آغازی باشد برای همکاری بیشتر در آینده. در حال حاضر جای ایران بر روی نقشه بین‌المللی کپی‌رایت خالی است.

اما علت این‌که کپی‌رایت هنوز هم کلید داد و ستد مجوز کتاب در سطوح بین‌المللی به شمار می‌آید چیست؟ کپی‌رایت از کسانی که از راه آفرینش آثار فکری امرار معاش می‌کنند و نیز کسانی که در بهره‌وری از این‌گونه آثار دخیل‌اند - به طور مثال ناشران - حمایت می‌کند. کپی‌رایت همچنین، به نویسنده کتاب، سازنده قطعه موسیقی، آفریننده مجسمه و کارگردان فیلم این حق را می‌دهد که خود در مورد چگونگی و شرایط تجاری استفاده از اثر خویش تصمیم‌گیری کند. به بیان دیگر، کپی‌رایت کارکردی دوگانه دارد: از یک سو، حفظ اصالت اثر را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، زمینه بهره‌برداری تجاری از آن را فراهم می‌آورد. بدین‌سان، کپی‌رایت از یک مؤلفه فرهنگی و یک مؤلفه تجاری شکل یافته و در کنار حمایت از موقعیت مالی هنرمندان خلاق، از هنر آنان نیز حفاظت می‌کند. با توجه به درآمد درخور توجهی که در کشورهای پیشرفته از محل استفاده از آثار دارای کپی‌رایت به دست می‌آید، ضروری است که حمایت از کپی‌رایت به طور صحیح اعمال شود و حوزه‌های گوناگون آفرینش فکری را تحت پوشش قرار دهد.

همان‌گونه که می‌دانیم، مفهوم کپی‌رایت نخستین بار در قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفت و از این رو یک تحول حقوقی به نسبت دیرنگام به شمار می‌آید. شاید از همین روست که بسیاری از مردم، حتی در اروپای

مرکزی، همچنان حمایت از مالکیت فکری را به دیده تردید می‌نگرند، در حالی که حمایت از مالکیت مادی برای همگان امری پذیرفته و مسلم است. حتی در مدارس آلمان سرقت ساعت مچی یک دانش‌آموز جرمی کیفری تلقی می‌شود، ولی تکثیر غیر مجاز متنی که یک دانش‌آموز آن را به زبان انگلیسی برگرداند جرمی ناچیز به حساب می‌آید و ارزش بحث و بررسی ندارد و حتی شاید به نوعی حق دانش‌آموزان ضعیف‌تر در برابر دانش‌آموزان قوی‌تر است.

تا آن‌جا که می‌دانم پیشینه کپی‌رایت در ایران از این نیز کوتاه‌تر است و شاید به همین دلیل است که ایران همچنان فاقد قانون مدرن در زمینه کپی‌رایت است و به معاهدات بین‌المللی کپی‌رایت نیز نپیوسته است. از آن‌جا که در سده نوزدهم کتاب تنها رسانه ارتباط جمعی بود، گسترش قانون کپی‌رایت در ابتدا به گونه‌ای بود که تنها به آثار چاپی محدود می‌شد. در نتیجه، کپی‌رایت، در وهله نخست، قالب فیزیکی اثر فکری را در بر می‌گرفت. از آن پس، آهنگ تحول قانون کپی‌رایت همواره متأثر از پیشرفت‌های فنی بوده است. ظهور نوارهای صوتی و تصویری، صنعت سینما و فیلم‌های سینمایی و رادیو و تلویزیون، هر یک به نوبه خویش، قانون‌گذاران عرصه کپی‌رایت را با مشکلات و چالش‌های نوینی مواجه کرده است.

در حال حاضر نیز ما باید با چالشی مشابه رو در رو شویم، چالشی که از آن به عنوان «انقلاب دیجیتال» یاد می‌شود. انتشار الکترونیکی اطلاعات در دهه هشتاد شتابی جهش‌گونه یافت. ماهواره‌ها و کابل‌های نوری موجب شدند تا انتقال وازگان شفاهی و کتبی و داده‌ها و تصاویر از طریق اینترنت به هر مقصدی ظرف چند ثانیه و بدون تغییر در کیفیت محصولات ارسالی امکان‌پذیر گردد. به لطف اینترنت، اینک ما قادریم وازگان، کتب، آثار موسیقایی، فیلم‌ها و نرم‌افزارهای خویش را ظرف چند

ثانیه از یک نقطه جهان به نقطه دیگر انتقال دهیم. این فرصتی بی‌نظیر برای مردم جهان است تا به هم نزدیک‌تر شوند و از یکدیگر بیاموزند؛ فرصتی برای صلح و تفاهم. ولی از سوی دیگر خطر نقض حریم خصوصی افراد وجود دارد. ناگفته پیداست که شفاف شدن وضعیت کپی‌رایت در سراسر جهان، برای حفاظت از مالکیت فکری افراد خلاق در کشورهای گوناگون، امری ضروری است.

به نظر می‌رسد رشد خیره‌کننده رسانه‌های نوین، اهمیت کتاب به عنوان یک عامل عمده در ارتباطات را زیر سؤال می‌برد. با این حال، نادیده گرفتن این حقیقت که کتاب همچنان مهمترین ابزار انتقال دانش است و حتی رسانه‌های نوین نیز از آن به عنوان منبع اصلی خویش سود می‌جویند، غیر ممکن است. بنابراین می‌توان با اطمینان این‌گونه انگاشت که کتب و رسانه‌های نوین در آینده در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر همزیستی خواهند داشت و هر دو بازار خویش را حفظ خواهند کرد.

### قانون کپی‌رایت در اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۵ قانون کپی‌رایت در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا به صورت هماهنگ در آمد. قوانین ملی هر یک از کشورهای عضو در جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند، ولی در کلیات تفاوتی با هم ندارند. کپی‌رایت، افزون بر منافع اقتصادی مؤلفان، از حقوق معنوی آنان نیز حفاظت می‌کند. از جمله حقوق معنوی این است که مؤلف می‌تواند از بروز نقصان در اثر خویش توسط شخص ثالث جلوگیری به عمل آورد. به منظور حفاظت از منافع اقتصادی مؤلفان، حق انحصاری بهره‌برداری از اثر به آنان واگذار شده است. مصادیق عمده حق بهره‌برداری از اثر عبارت‌اند از: امتیاز تکثیر و توزیع، امتیاز نمایش و پخش رادیویی و تلویزیونی، امتیاز تبدیل اثر به یک اثر صوتی یا تصویری، امتیاز انتشار اثر

با جلد شومیز، امتیاز ترجمه و امتیاز انتشار الکترونیکی اثر. کپی‌رایت، به عنوان یک قانون اجتماعی، محدودیت‌هایی نیز دارد که از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اغلب قوانین این محدودیت‌ها را برای مواردی چون رسانه‌ها و امور قضایی و امنیت عمومی پیش‌بینی کرده‌اند، ولی محدودیت‌های مزبور مواردی چون نقل قول و تکثیر برای استفاده شخصی را نیز در بر می‌گیرد که مورد اخیر به واسطه دستگاه‌های قدرتمند تکثیر میسر گشته است. برخی کتب علمی بیشتر به صورت تکثیر شده وجود دارند تا به صورت اولیه یعنی در قالب کتاب. در این مورد و نیز برخی موارد دیگر، مؤلف هر از گاه مبالغی را از نهادهای گردآورنده، که مسئول وصول هزینه مجوز تکثیر از صاحبان دستگاه‌های عمومی تکثیر هستند، دریافت می‌کنند.

نهادهای گردآورنده سازمان‌هایی هستند که فرآیند حمایت از برخی حقوق مؤلفان را اداره می‌کنند. این نهادها بدان سبب پی‌ریزی شدند که آهنگ‌سازان، نوازندگان، مؤلفان و دیگر نویسندگان در بسیاری موارد نمی‌توانند فرآیند استفاده از اثر خویش یا واگذاری امتیازهای مربوط به آن را کنترل کنند. به طور مثال، به موجب قانون کپی‌رایت آلمان، هر تولیدکننده یا استفاده‌کننده تجاری یک دستگاه تکثیر باید مبالغی را به عنوان حق تألیف به نهادهای گردآورنده بپردازد تا این نهاد مبالغ مزبور را به مؤلفان و ناشران برساند. درآمدی که از این طریق حاصل می‌شود، بر مبنای مقیاسی مشخص، به مؤلفان و ناشران پرداخت می‌شود. این نوع گردآوری و توزیع حق تألیف‌های ناشی از کپی‌رایت در سطح بین‌المللی نیز موفق از آب در آمده است، زیرا نهادهای ملی گردآورنده حق تألیف‌ها توسط قراردادهای دو جانبه منعقد شده بین کشورها به یکدیگر پیوند می‌یابند. به موجب این قراردادها، طرف‌های مجاز در کشور مقابل نیز در فرآیند گردآوری حق تألیف‌ها سهیم می‌شوند. چنان‌چه کشورها بتوانند به

ایجاد نهادهای گردآورنده کارآمد همت گمارند، هم ناشران و هم مؤلفان از آن‌ها منتفع خواهند شد.

به موجب قوانین کپی‌رایت در اروپا و ایالات متحده، کپی‌رایت یک اثر زمانی ظهور می‌کند که اثر مزبور در یک قالب فیزیکی ریخته شود؛ به عبارت دیگر، زمانی که اثر در قالب دست‌نوشته تجلی یابد. هر آفرینش شخصی و فکری که محتوا و قالبی منحصر به فرد داشته باشد، مستحق برخورداری از حمایت کپی‌رایت خواهد بود و از این حیث، مضمون، مفهوم فرهنگی یا سیاسی، استاندارد یا کیفیت اثر، هیچ‌گونه اهمیتی ندارد. در هیچ یک از قوانین مدرن کپی‌رایت قید نشده که برخورداری از حمایت کپی‌رایت مستلزم انجام تشریفاتی همچون ثبت اثر در یک دفتر رسمی است. به بیان دیگر، کپی‌رایت، اساساً، همزمان با لحظهٔ ایجاد اثر پدید می‌آید و حالت اجرایی می‌یابد.

تمام امتیازات مربوط به یک اثر، همچون امتیاز توزیع یک دست‌نوشته در قالب کتاب، باید مستقیماً از طریق مؤلف آن به دست آید. به همین دلیل، برای کسب این‌گونه امتیازات باید با مؤلف اثر قرارداد منعقد گردد و در آن امتیاز خریداری شده توسط ناشر به طور مشروح و شفاف قید شود. به بیان دیگر، فردی که امتیاز توزیع یک کتاب را در آلمان خریداری کرده، بدین معنایست که همزمان با آن امتیاز تبدیل اثر مزبور به فیلم یا توزیع آن در یک کشور دیگر چون ایتالیا را نیز به دست آورده است. هر یک از این امتیازات باید به صورت جداگانه واگذار شود.

در اتحادیهٔ اروپا کپی‌رایت تا ۷۰ سال پس از مرگ مؤلف اعتبار دارد. این بدین معناست که، به طور مثال، تکثیر آثار گوته و شیلر و کافکا در سراسر جهان آزاد است (آثار این نویسندگان در «قلمرو عمومی» قرار گرفته است)، در حالی که آثار توماس من در تمام کشورهایی که با آلمان قرارداد دو جانبهٔ کپی‌رایت دارند مورد حمایت قرار می‌گیرند. در قوانین

کپی‌رایت برای موارد تخلف از کپی‌رایت مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. چنان‌چه شخصی بدون داشتن مجوز مبادرت به چاپ و توزیع تجاری نسخه‌های یک کتاب کند، نسخه‌های مزبور را غیر مجاز و عمل مزبور را بهره‌برداری غیر مجاز می‌خوانیم.

متخلفان از کپی‌رایت، افزون بر پرداخت غرامت، ممکن است به حبس حداکثر تا ۵ سال نیز محکوم شوند. طرف زیان‌دیده، قانوناً، می‌تواند خواهان نابودی تمام نسخه‌هایی شود که به طور غیر قانونی تولید شده و در تملک طرف متخلف است. با موارد تخلف از کپی‌رایت، همچون موارد سرقتِ دارایی‌های مادی، به طور جدی برخورد می‌شود. کپی‌رایت مؤلف در مورد اثرش جدای از حقوق فرعی است که منتج از آفرینش یک اثر جدید نیست بلکه ماحصل تغییر یا تفسیر یک اثر موجود است. این حقوق در آلمان به حقوق اجرایی معروف است. از جمله این حقوق می‌توان به حقّ یک نوازنده در مورد اجرای هنری‌اش و یا حق سازنده یک فیلم یا قطعه ضبط شده در مورد اثری که ساخته است اشاره نمود. دوره حمایت این‌گونه تولیدات و برنامه‌های اجرایی همواره کوتاه‌تر از دوره حمایتی است که برای آثار نویسندگان در نظر گرفته می‌شود.

### شرایط بین‌المللی

حمایت مبتنی بر کپی‌رایت از یک مؤلف، معمولاً، به مرزهای کشورش محدود می‌شود. بدیهی است که قانون کپی‌رایت ایران در آلمان هیچ‌گونه اعتباری ندارد، همان‌گونه که قانون کپی‌رایت آلمان در ایران فاقد اعتبار است. به همین دلیل، چنان‌چه، به طور مثال، در قانون کپی‌رایت فرانسه صرفاً حمایت از مؤلفان پیش‌بینی شده باشد، آن‌گاه یک مؤلف آلمانی ضرورتاً در فرانسه مورد حمایت قرار نخواهد گرفت. با توجه به چنین پیشینه‌ای بود که بیش از یک قرن پیش کشورهای گوناگون انعقاد

قراردادهای دو جانبه را آغاز کردند.

آلمان و فرانسه توافق کردند که، به طور متقابل و بر اساس قوانین کی‌رایت خویش، از مؤلفان یکدیگر حمایت کنند. بسیاری از کشورهای دیگر نیز به انعقاد توافقنامه‌های مشابه مبادرت کردند. بدین ترتیب، با گذشت سال‌ها، انبوهی از قراردادهای دو جانبه پدید آمد که شرایط بسیار متفاوتی در آن‌ها گنجانیده شده بود. لذا، نیاز به استاندارد کردن این قراردادها، از طریق تدوین یک معاهده مشترک، بیش از پیش احساس شد.

مهمترین معاهده موجود در زمینه کی‌رایت پیمان برن است که در سال ۱۸۸۶ به تصویب رسید و آلمان در زمره نخستین امضاکنندگان آن به شمار می‌آید. پیمان مزبور، که چندین بار مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت، امروزه به نام «پیمان اصلاح‌شده کی‌رایت برن» معروف است. بیش از هفتاد کشور عضو این پیمان‌اند. کشورهای عضو، سازمانی را برای حمایت از حقوق مؤلفان تشکیل داده‌اند و توافقنامه‌ای مشترک و دو طرفه را نیز بدین منظور به امضا رسانده‌اند. مهمترین اصل پیمان برن اصل «احترام به جایگاه و شأن مؤلفان دیگر کشورها» است. بر مبنای این اصل، در داخل یک کشور مفروض، با مؤلفان خارجی به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی آنان اتباع کشور مزبورند و، بدین ترتیب، این مؤلفان از همان جایگاه حقوقی برخوردارند که مؤلفان تبعه یا مقیم کشور مزبور.

افزون بر این، در پیمان برن، شماری حقوق حداقل پیش‌بینی شده است که مؤلفان می‌توانند در تمام کشورهای عضو از این حقوق برخوردار شوند. از جمله این حقوق حداقل می‌توان به مواردی چون حق انحصاری مؤلف در مورد نسخه‌برداری‌های گوناگون از اثرش، حداقل دوره حمایت که پنجاه سال پس از مرگ مؤلف است و نیز حقوق معنوی اشاره کرد. این حقوق حداقل در صورتی قابل اعمال‌اند که در قانون کی‌رایت کشور عضو، شرایطی مشابه یا شرایطی مطلوب‌تر برای مؤلفان پیش‌بینی نشده

باشد. بدین ترتیب، در پیمان برن استانداردِ حداقلی حمایت از مؤلفان پی‌ریزی شده است. این استاندارد حمایت از مؤلف در مواردی چون تحریف اثر، شناسایی او به عنوان مالک کپی‌رایت اثر و نیز حق انحصاری او در تکثیر و توزیع اثر و غیره را قانونمند می‌کند.

پیمان برن را می‌توان مبنای بین‌المللی مسائل مربوط به کپی‌رایت تلقی کرد. برای داد و ستد مؤثر کپی‌رایت و مجوزهای مرتبط با آن، عضویت در پیمان برن شرط اساسی است.

ناگفته پیداست که، از دیدگاه مؤلفان و ناشران، کپی‌رایت باید در سراسر جهان به صورت مؤثر مورد حمایت قرار گیرد. با توجه به این واقعیت که چندین کشور از امضای پیمان برن و یا توافقنامه جهانی کپی‌رایت سر باز زده‌اند، ما به دنبال راه‌هایی هستیم که حمایت از مالکیت فکری را در این کشورها محقق سازیم. در این زمینه یکی از مهمترین توافقنامه‌های موجود عبارت است از «توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت» موسوم به «گات». یکی از فصول این توافقنامه، که در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسیده، به «جنبه‌های تجاری حقوق مربوط به مالکیت فکری» پرداخته و خودبه‌خود توافقنامه «تریپس» معروف است. توافقنامه تریپس، در بخش کپی‌رایت، مواد پیمان برن را گنجانده است.

به طور خلاصه، کشوری که حمایت از کپی‌رایت را در داخل چندان جدی نگرفته است ولی از سویی خواهان بهره‌گیری از مزایای توافقنامه گات در زمینه تعرفه و تجارت است و می‌خواهد محصولات و کالاهای خود را در سراسر جهان به فروش رساند، ناچار است توافقنامه گات را امضا کند و از این جاست که مجبور می‌شود، بنا به توافقنامه تریپس که بخشی از توافقنامه گات است، به قوانین کپی‌رایت احترام گذارد و زمینه برخورداری مؤلفان و ناشران را از حداقل حقوق مطابق با مفاد پیمان برن فراهم آورد.

ایران هنوز پیمان برن یا توافقنامهٔ تریپس را امضا نکرده است. چنان‌چه ناشران ایرانی، علاقه‌مند به برقراری روابط نزدیک‌تر با هم‌تایان بین‌المللی خویش و داد و ستد مجوز با آنان باشند، پیوستن به این دو معاهده بسیار سودمند خواهد بود. در واقع، ایران باید قانون کپی‌رایت مدرنی تدوین کند که در آن حداقل استانداردهای پیمان برن لحاظ شده باشد.

### قرارداد نشر

به موجب قانون کپی‌رایت اروپا، مینا و نقطهٔ آغاز تمام فعالیت‌های انتشاراتی، قرارداد نشر با مؤلف است. معمولاً در مورد هر اثر قرارداد جداگانه‌ای تنظیم می‌شود و در آن مواردی چون میزان استفادهٔ ناشر از اثر مؤلف و نیز مدت زمان و شرایط آن قید می‌گردد. قرارداد نشر، محدودهٔ امتیازات واگذار شده به ناشر را تنظیم می‌کند. در اروپا ارزش یک شرکت انتشاراتی به میزان امتیازاتی است که شرکت مزبور از مؤلفان گوناگون خریداری و ذخیره کرده است. به همین دلیل، به ناشران توصیه می‌شود که در تهیهٔ پیش‌نویس قراردادها دقت کافی مبذول دارند و قراردادها را تا حد امکان به صورت منظم نگهداری کنند.

درست است که توافق در مورد قرارداد نشر به صورت شفاهی یا تفاهم تلویحی نیز امکان‌پذیر است، اما برای اثبات آسان و تسهیل امور در دعاوی احتمالی، توصیه می‌شود که قراردادهای مربوط به آثار ادبی و علمی و دانشگاهی به صورت مکتوب منعقد گردد. در قراردادهای نشر، اساساً مؤلف، امتیاز تکثیر و توزیع اثر خویش را به ناشر واگذار می‌کند و متعهد می‌شود که، در دوران اعتبار قرارداد، از هر گونه تکثیر و توزیع اثر اجتناب ورزد. در عوض، ناشر موظف است اثر مورد نظر را تکثیر و توزیع کند.

اکنون پرسش این است که چه نوع آثاری می‌تواند موضوع قرارداد

نشر باشد؟ در پاسخ باید گفت که مؤلف می‌تواند گستره متنوعی از آثار را برای انتشار به ناشر واگذار کند که به طور خاص موارد زیر را می‌توان برشمرد: متون نثر همچون یک کتاب یا متن یک سخنرانی، نمایشنامه‌ها، ترجمه‌ها و متون تطبیق یافته، کتب مصور، آثار گرافیکی دارای ماهیت علمی و دانشگاهی یا فنی همچون طرح‌ها، نقشه‌ها، جداول و غیره.

پرسش دیگر این‌که محتوای یک قرارداد نشر در اروپا چیست؟ به طور ساده باید گفت که منفعت ناشر در آن است که تا حد امکان امتیازات گوناگون مربوط به یک اثر را از مؤلف آن خریداری کند. البته، حتی امروزه نیز، بخش عمده درآمدهای ناشر از محل فروش کتاب به شکل چاپی به دست می‌آید. اما این‌که ناشر، دیگر منابع درآمد - همچون درآمدهای ناشی از تبدیل اثر به فیلم یا ترجمه آن به زبان‌های دیگر یا استفاده از اثر در فناوری‌های ارتباطی دیجیتال - را، تنها به این دلیل که موارد مذکور در متن قرارداد پیش‌بینی نشده است، از کف بدهد بسیار تأسف بار است. بنابراین، توصیه می‌شود که ناشر، هنگام مذاکره برای انعقاد قرارداد نشر، سعی کند علاوه بر امتیاز تکثیر و توزیع اثر به شکل چاپی، امتیازات انحصاری زیر را نیز از مؤلف خریداری کند:

الف - امتیاز ترجمه اثر به دیگر زبان‌ها؛

ب - امتیاز تبدیل اثر به نمایشنامه؛

ج - امتیاز تبدیل اثر به فیلم یا استفاده از آن در اپرا و غیره؛

د - امتیاز انتشار پیشاپیش اثر در مجلات و روزنامه‌ها؛

ه - امتیاز انتشار ویراست‌های جلد شومیز و ویراست‌های ویژه

باشگاه‌های کتاب؛

و - امتیاز بهره‌گیری از اثر در قالب دیجیتال، مثلاً در شبکه اینترنت یا

در قالب سی دی و غیره.

این نکته نیز حائز اهمیت است که انتقال امتیازهای مذکور، کل دوره

اعتبار کپی‌رایت و نیز تمام کشورها و زبان‌ها را در بر بگیرد. حقوق ناشر در قرارداد نشر مشخص می‌شود، اما وظایف ناشر چیست؟ وظیفه اصلی ناشر آن است که اثر مفروض را، به طور منظم و به شکل مناسب و توافق‌شده، تکثیر و توزیع کند.

ناشر باید، به محض آن‌که مجال مناسب دست دهد، اثر را تا حد امکان به اشکال گوناگونی که در قرارداد مجاز شمرده شده، تولید و عرضه کند. از دیگر وظایف ناشر آن است که حق تألیف مؤلف را، به گونه‌ای که در قرارداد نشر قید شده، به او بپردازد. به طور معمول، در مورد آثار داستانی و شعری، حق تألیف مؤلف برابر ۱۰ درصد بهای خرده‌فروشی اثر تعیین شده است. لیکن، در بخش خارج از ادبیات داستانی، تفاوت‌هایی درخور ملاحظه در مورد حق تألیف مؤلف وجود دارد. علاوه بر این، شرکت انتشاراتی همواره موظف است در هر یک از موارد بهره‌گیری از اثر سهمی را نیز برای مؤلف در نظیر گیرد. چنان‌چه شرکت انتشاراتی مبالغی به عنوان مجوز دریافت کند، به طور مثال بابت نسخه فیلم شده یک اثر یا از محل فروش مجوز ترجمه آن، مبالغ مزبور را باید همواره به نسبت مساوی بین خود و مؤلف تقسیم کند.

علی القاعده، شرکت انتشاراتی می‌تواند امتیازها را انتقال دهد، مگر آن‌که به گونه‌ای دیگر با مؤلف توافق شده باشد. توصیه می‌شود که امتیازها به صورت انحصاری واگذار نشود و همواره برای دوره‌ای محدود واگذار گردد.

در آلمان، در مورد مجوزهای مربوط به ویراست‌های خارجی اثر استثنا وجود دارد، زیرا، به طور مثال، بی‌معناست که امتیاز توزیع یک اثر واحد به چند ناشر فرانسوی واگذار شود. در مورد امتیاز تهیه فیلم از روی اثر، روش متداول آن است که امتیاز مزبور به طور انحصاری و برای مدت زمانی معین واگذار شود.

## مجوزدهی بین‌المللی

پس از این مباحث نظری، اکنون باید نگاهی بیندازیم به جنبه عملی مسأله. چنان‌چه یک ناشر ایرانی فهرست جالبی از آثار اصلی را منتشر کرده باشد و اینک بخواهد مجوز انتشار آن‌ها را به ناشران اروپایی و بین‌المللی بفروشد، چه مراحل را باید طی کند؟ اجازه بدهید فرض کنیم که من یک ناشر ایرانی و در مسیر ورود به بازارهای بین‌المللی‌ام؛ چه باید بکنم؟ باید پنج مرحله را طی کنم:

### ۱. تجزیه و تحلیل بازار

اگر من یک ناشر ادبیات داستانی ایران باشم، بی‌معناست که کتاب‌هایم را به یک ناشر آلمانی که حوزه تمرکزش علوم دارویی و پزشکی است ارائه کنم. من باید به دنبال ناشری باشم که برنامه‌ای مشابه برنامه من دارد؛ ناشری که آثار نویسندگان بین‌المللی را منتشر می‌کند. نمایشگاه کتاب فرانکفورت یکی از مکان‌هایی است که در آن می‌توان به تجزیه و تحلیل بازارهای بین‌المللی پرداخت. بنابراین، من باید پیش از عزیمت به نمایشگاه فرانکفورت، کاتالوگ‌ها و برنامه‌های آن را مطالعه و در آن‌جا شرکت‌های انتشاراتی مورد نظرم را جست‌وجو کنم. به شما قول می‌دهم که ناشران مورد نظرتان را خواهید یافت.

### ۲. نخستین تماس

باید با سخنرانان نمایشگاه و نیز مدیران بخش خارجی مراکز انتشاراتی صحبت و علاقه آنان را نسبت به برنامه‌هایم جلب کنم. باید نسخه‌هایی را که به زبان فارسی منتشر کرده‌ام به آنان نشان دهم و در مورد نوع کتب مورد علاقه‌شان از آنان سؤال کنم. هر چه بیشتر بدانم، در آینده بهتر عمل خواهم کرد.

### ۳. علاقه‌مان را به صورتی ملموس نشان دهیم

پس از بازگشت به خانه، با افرادی که ملاقات کرده‌ام و کارت خود را در اختیارم نهاده‌اند تلفنی تماس بگیرم تا علاقهٔ جدی خود را به همکاری‌های آینده با آنان نشان دهم. آن‌گاه یک یا چند مورد از کتاب‌هایم را برایشان ارسال می‌کنم. با توجه به این واقعیت که زبان فارسی در اروپا و دیگر کشورهای جهان تقریباً ناشناخته است، باید یک نسخهٔ انگلیسی اثر یا دست‌کم ترجمهٔ انگلیسی نخستین فصل آن یا چکیدهٔ اثر به زبان انگلیسی یا آلمانی را برای طرف مقابل ارسال کنم.

### ۴. پاسخ‌ناشر

اگر ناشر آلمانی آمادگی‌های لازم را داشته باشد، کتاب شما را خواهد خواند و، چنان‌چه علاقهٔ او را برانگیزد، پیشنهاد انعقاد قرارداد صدور مجوز را برای شما ارسال خواهد کرد. معمولاً ناشران آلمانی در این‌گونه قراردادها شرایط زیر را مطرح می‌کنند:

الف - مدت زمان قرارداد: ۷ تا ۸ سال؛

ب - امتیازات واگذار شده: ترجمهٔ آلمانی، توزیع جهانی، امتیازات دیجیتال، ویراست جیبی؛

ج - بهای مجوز: ۶ تا ۸ درصد قیمت خالص ویراست آلمانی اثر؛

د - پیش‌پرداخت: بهای مجوز ویراست نخست به دو بخش تقسیم می‌شود: ۵۰ درصد پس از امضای قرارداد پرداخت می‌شود و ۵۰ درصد

پس از آغاز توزیع اثر؛ مثال:

ویراست نخست: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت خالص: ۱۸ یورو

بهای مجوز: ۸ درصد

پیش‌پرداخت: ۷۲۰۰ یورو

پیش‌پرداخت معمولاً شامل بهای مجوّز می‌شود، ولی ممکن است سایر مواردی را که مجوّزدهنده و مجوّزگیرنده در مورد آن توافق کرده‌اند نیز در برگیرد.

۵- ترجمه اثر به زبان آلمانی و پرداخت هزینه آن توسط ناشر آلمانی انجام می‌گیرد؛

و- محاسبه و پرداخت بهای مجوّز، که به صورت درصدی است، معمولاً به طور سالیانه انجام می‌گیرد.

## ۵. امضای قرارداد

چنان‌چه شرایط مناسب باشد، می‌توانید قرارداد را امضا کنید و آن را برای ناشر طرف قرارداد باز پس فرستید. اگر در مورد شرایط مندرج در قرارداد مطمئن نیستید، باید با یک حقوق‌دان آلمانی که از وضعیت داد و ستد مجوّز کتاب در سطح بین‌المللی آگاه است تماس بگیرید.

## پرسش و پاسخ

پرسش: در ۵۰ سال گذشته شاید حتی ۵۰ عنوان کتاب فارسی به زبان‌های خارجی ترجمه نشده باشد و، بر اساس آمار وزارت ارشاد، سال گذشته گویا ۳۱۰۰۰ عنوان کتاب در ایران چاپ شده که ۶۰-۵۰ درصد از آن‌ها مسلماً ترجمه است. اگر احیاناً ایران این قرارداد را امضا کند، باید این‌گونه مخرج را به ناشران خارجی و نویسندگان خارجی پردازد و، در این صورت، کتابی را که دانشجوی ایرانی احتیاج دارد خیلی گران می‌شود. امریکا همیشه پرچم‌دار این قوانین بین‌المللی بوده است، ولی هر وقت که وضعیت خودش به خطر می‌افتد این قراردادها تئوری می‌شوند.

دو ماه پیش شاهد بودیم که وضعیت صنایع فلزی امریکا به خطر افتاد، زیرا آهن چینی و کره‌ای و روسی خیلی ارزان‌تر از آهن آمریکایی شده بود. بر خلاف تمام قوانین بین‌المللی، آمریکا زیر قرارداد سازمان جهانی تجارت زد. اگر نظر حرفه‌ای شما را بخواهم، شما چه خواهید گفت؟ آیا این قرارداد را امضا می‌کنید؟

پاسخ: بله، البته، من این کار را انجام خواهم داد. اگر برای من امکان داشته باشد که اتومبیلی را با پرداخت ۱۰ هزار یورو بخرم یا این‌که آن را بلد زدم تا هیچ مبلغی نپردازم، شما به من چه پیشنهادی می‌کردید؟

می‌دانید، ما مجبوریم که با مشکل در لحظه حاضر مواجه شویم. من مشکلات را می‌بینم، اما اگر شما به درازمدت فکر کنید متوجه خواهید شد که کشورهای دنیا همه شرکای خانواده کپی‌رایت بین‌المللی شده‌اند. زیرا در جهانی که هر روز همه در کنار هم رشد می‌کنند هیچ‌کس نمی‌تواند در خارج برای همیشه بایستد؛ زیرا، در این صورت، تجارت کردن، دلالی کردن، همکاری کردن و صحبت کردن برای مابقی دنیا غیر ممکن می‌شود. به عنوان مثال، ناشران ایرانی معتقدند اگر برای کتاب‌ها مجوز بگیرند، مجبورند مبلغ گزافی بپردازند. این کاملاً اشتباه است، چون، همان‌طور که گفتم، مبلغ همیشه در صدی از قیمت فروش است که شما در ایران دارید و اگر در باره مجوز شش درصدی فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این مجوز قیمت کتاب‌های ایرانی را در حدود ۳ درصد افزایش می‌دهد که برای اولین بار خیلی زیاد نیست. از طرف دیگر، اگر شما در نظر بگیرید که، به عنوان مثال، با یک ناشر آلمانی معامله می‌کنید، او همیشه شرایط دیگری به ناشر ایرانی پیشنهاد می‌کند. بنابراین، میزان پولی که باید برای مجوز پرداخت شود خیلی کمتر خواهد بود و این از نظر اقتصادی خیلی با صرفه‌تر است. مردم ایران هیچ چیز را به هیچ‌کس نباید بپردازند، فقط خریدار کتاب ممکن است ۶ درصد بیشتر از آنچه قبلاً

می‌پرداخته پردازد.

پرسش: آیا فکر می‌کنید هیچ قانونی کشور ما را مجبور به ملحق شدن به میثاق برن می‌کند یا حقایق بین‌المللی ما را مجبور به الحاق می‌کند؟  
پاسخ: هیچ وظیفه قانونی برای هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که بر اساس کپی‌رایت عمل کند. هنوز کشورهایی هستند که اصلاً کپی‌رایتی در آن‌ها وجود ندارد. کشورهایی که قانون کپی‌رایت دارند نظر مثبتی به این کشورها ندارند، زیرا می‌دانند که مالکیت فکری در آن‌جا پایمال شده، کتاب‌ها بدون اجازه چاپ می‌شوند.

اما از نظر من، این بحث اخلاقی وجود دارد که اگر شما از چیزی که متعلق به دیگری است بهره‌مند می‌شوید، باید برای آن مبلغی بپردازید. این دقیقاً چیزی است که برای هزاران سال انجام گرفته و یک حق مادی است. این دیگر جای سؤال ندارد! اگر شما ساعتان را به من می‌دهید، من برای آن به شما پول می‌دهم. این واقعه‌ای است که هر روز هزاران بار در بازار تهران اتفاق می‌افتد. این حقیقت از عقیده من، مبنی بر استفاده از مالکیت فکری دیگران بدون پرداختن پول برای آن و بدون حق بهره‌گیری از آن، خیلی دور نیست.

در آینده خواهید دید تعداد کشورهایی که از آثار خارجی حمایت نمی‌کنند، کمتر و کمتر خواهد شد. در پایان، جای طرح این سؤال باقی می‌ماند که: «آخرین کشور امضاکننده پیمان برن کدام کشور است؟» من امیدوارم که آن کشور ایران نباشد.

پرسش: اگر بعضی از ناشران قانون کپی‌رایت را در آلمان نقض کنند، دولت آلمان چه خواهد کرد؟

پاسخ: اگر چنین کاری در آلمان صورت بگیرد، کسی که قانون

کپی‌رایت را نقض کرده است باید خسارت آن را بپردازد و آن جریمه است. اگر در آن جا کسی چنین کاری انجام دهد، ما او را روانه زندان می‌کنیم و، همان‌طور که گفتم، زندانی او گاه تا ۵ سال طول می‌کشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی